

سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی؛ مطالعه‌ای درباره مشارکت اجتماعی از منظر اسلام*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۳/۳۰ تاریخ تأیید: ۱۳۸۹/۷/۱

محمدنقی نظرپور**

مصطفی منتظری مقدم***

چکیده

کاربرد نظریه سرمایه اجتماعی بدون توجه به محیط، بُعدها و شرایط اجرای آن، ناقص است. بازنگری در مفهوم و شناخت دقیق اجزای آن با توجه به فرهنگ دینی و ملی جهت تبیین نقش سرمایه اجتماعی در فرایند توسعه اقتصادی ضرور است. از آنجا که شناسایی و کشف نماگرهای سرمایه اجتماعی از دید اسلام به عنوان نقطه عزیمت مطرح است. پژوهش پیش‌رو در صدد است با تبیین مؤلفه مشارکت اجتماعی در اندیشه دینی، نقش آن را در فرایند توسعه اقتصادی با استفاده از روش توصیفی و تحلیل محتوا بررسی کند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، نقش ویژه «نهاد مسجد» در زندگی اجتماعی جوامع اسلامی، کارکرد منحصر به فرد «نهاد امر به معروف و نهی از منکر» در نهادینه کردن نظام «نظارت همگانی» و نیز حضور آگاهانه مسلمانان در جهاد در راه خدا، در جهت خلق، تثبیت و تقویت مشارکت اجتماعی عمل کرده، مرز معینی میان نظریه متعارف و نظریه سرمایه اجتماعی از دیدگاه اسلام ترسیم می‌کند. همچنین مشارکت اجتماعی برآمده از آموزه‌های دینی، از راه پدید ساختن امنیت، کارآمدی دولت و بازار، کاهش فقر و بیکاری در فرایند توسعه اقتصادی نقشی اساسی ایفا می‌کند. بنابراین، فرضیه «در صورت نهادینه شدن مشارکت اجتماعی از دیدگاه اسلام، بستر مناسبی برای توسعه اقتصادی از راه‌های پیش‌گفته فراهم خواهد شد» مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: اسلام، سرمایه اجتماعی، توسعه اقتصادی، مشارکت اجتماعی، مسجد، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد.

طبقه‌بندی JEL: O10, O20, Z13

*. مقاله پیش‌رو برگرفته از طرح «شناخت سرمایه اجتماعی از دیدگاه اسلام و نقش آن در توسعه اقتصادی و ارائه راهبردهایی برای برنامه پنجم توسعه» به سفارش مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی است که در انجمن اقتصاد اسلامی حوزه علمی قم به انجام رسید.

Email: nazarpur@mofidu.ac.ir.

** استادیار دانشگاه مفید قم.

Email: montazeri_moghadam@yahoo.com.

*** کارشناس ارشد علوم اقتصادی.

مفهوم سرمایه اجتماعی (Social Capital) سابقه طولانی در علوم اجتماعی دارد چرا که مفهوم پیش گفته، ایده‌ای کهن به قدمت اندیشه‌های اجتماعی - یعنی نیاز انسان‌ها به یکدیگر و تولید خیر مشترک بر اثر روابط اجتماعی - را مورد اشاره قرار می‌دهد. به همین جهت عقبه فکری مستحکمی را می‌توان در شکل‌گیری واژه و اصطلاح سرمایه اجتماعی که مشهور است برای نخستین بار به وسیله لیدا جی. هانیفان (Hanifan, 1920)، سرپرست وقت مدارس ویرجینیای غربی در امریکا، به کار گرفته شد (Feldman & Assaf, 1999: 6)، مشاهده کرد. به عبارت بهتر، قدمت این واژه به تصریح جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان پیشینه در تاریخ بشر و اجتماعات بشری دارد.* علت این امر را نیز می‌توان با اندیشیدن در تعریف سرمایه اجتماعی نیک دریافت. به‌طور کلی سرمایه اجتماعی آن دسته از شبکه‌ها و هنجارهایی است که مردم را قادر به عمل جمعی می‌کند (Woolcock & Narayan, 2000: 530).

اگرچه سرمایه اجتماعی مفهوم محوری در جامعه‌شناسی است اما بی‌شک خاستگاه قابل ارجاع اقتصادی نیز دارد (دادگر و نجفی، ۱۳۸۵: ۱۴) و به‌عنوان سومین حلقه از حلقه‌های تکاملی سرمایه (پس از سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی)، در جایگاه عامل تعیین‌کننده در فرایند تولید و توسعه مورد توجه بسیاری از اقتصاددانان واقع شده است. فوکویاما (Fukuyama, 2002) باور دارد اندیشه‌وران بسیاری سرمایه اجتماعی را در جایگاه عامل کلیدی در توسعه اقتصادی در نظر می‌گیرند (پاتنام، ۱۳۸۴: ۱۰۰).

نکته قابل تأمل آنکه به‌رغم تأکید مفهوم سرمایه اجتماعی بر دین، ارزش‌ها و نهادها، بسیاری از پژوهشگران این حوزه در کشورمان، در پی کشف و شناسایی معیارهای سرمایه اجتماعی مطابق با فرهنگ دینی و ملی ما نبوده‌اند. این در حالی است که اقتضای سرمایه‌بودن این مفهوم آن است که در هر جامعه‌ای متناسب با مقتضیات آن جامعه شکل گیرد و به نظر می‌رسد مراجعه به متون و نصوص اسلامی درباره سرمایه اجتماعی (به‌طور کلی) و مؤلفه‌های آن مانند: اعتماد، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و ... (به‌طور

*. مارکس، توکوویل، دورکیم و پارسونز همگی بر نقش ایده‌پیوندهای اجتماعی در کارکرد اجتماعی و اینکه مشارکت فرد در امور جمعی به نتیجه‌های مثبتی برای فرد و جامعه‌اش می‌انجامد، تأکید می‌کنند (فیلد، ۱۳۸۶: ۲۶ - ۱۳؛ پورتس، ۱۳۸۴: ۳۰۶؛ دورکیم، ۱۳۸۱: ۱۰۱ - ۶۹ و خاندوزی، ۱۳۸۳).

ویژه)، دستاوردهای مناسبی به همراه داشته باشد. به عبارت دیگر، مروری بر منابع دینی مؤلفه‌هایی را آشکار می‌سازد که به روشنی در جهت تولید، انباشت و تقویت سرمایه اجتماعی در جامعه دینی عمل می‌کنند و زمینه را برای تدوین نظریه سرمایه اجتماعی از دید اسلام مهیا می‌سازد. در این راه گاه با نماگرهایی روبه‌رو خواهیم شد که با شاخص‌های سرمایه اجتماعی در اندیشه متعارف قرابت و نزدیکی دارد و گاه این مؤلفه‌ها از اندیشه متعارف بسیار فاصله گرفته، مرز معینی میان «نظریه سرمایه اجتماعی در اندیشه متعارف» و «سرمایه اجتماعی از دیدگاه اسلام» ترسیم می‌کند.

از آنجا که پژوهش پیش‌رو می‌کوشد تا گامی در جهت تدوین «نظریه سرمایه اجتماعی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی» (نظرپور و منتظری‌مقدم، ۱۳۸۷ (الف و ب)) بردارد، مناسب می‌بیند که پس از تعریف سرمایه اجتماعی، مؤلفه‌های آن را در اندیشه دینی شناسایی کند اما از آنجا که تبیین دقیق هر یک از نماگرهای سرمایه اجتماعی با توجه به گستره مفهومی آن، در روشن شدن بُعدهای گوناگون این مفهوم چندوجهی و پیچیده، ضرور به نظر می‌رسد. بنابراین در تحقیق پیش‌رو مطالعه خویش را بر مؤلفه «مشارکت اجتماعی در اندیشه دینی» در جایگاه یکی از مؤلفه‌های کلیدی نظریه سرمایه اجتماعی از منظر اسلام متمرکز کرده، می‌کوشیم تا زوایه‌های متعدد این مفهوم را با توجه به متون اسلامی بازشناسی کنیم؛ امری که به نظر می‌رسد چندان مورد توجه مطالعه‌های این حوزه نبوده است.

بر این اساس، در نوشتار پیش‌رو بر آن هستیم تا به روش توصیفی و تحلیل محتوا و با استفاده از منابع و کتاب‌های معتبر اسلامی، این انگاره (فرضیه) را مورد بررسی قرار دهیم که در صورت نهادینه‌شدن مشارکت اجتماعی در اندیشه دینی بستر مناسبی برای توسعه اقتصادی محقق خواهد شد. به این منظور با مروری بر ادبیات و پیشینه موضوع، جایگاه مؤلفه مشارکت اجتماعی در اندیشه دینی را در نظریه سرمایه اجتماعی از دید اسلام تبیین کرده، نقش آن در توسعه اقتصادی را برجسته کنیم.

ادبیات و پیشینه تحقیق

اغتشاش‌های مفهومی درباره سرمایه اجتماعی آن‌چنان گسترده است که پژوهش‌گران این حوزه را ناخواسته درگیر خود می‌کند. در پژوهش پیش‌رو، به‌رغم برخی از کاستی‌ها و فقط

به جهت عبور از مرحله دشوار تبیین سرمایه اجتماعی، تعریف ذیل را که بر پایه بسیاری از مفهومی‌های محوری تعریف‌های متعدد سرمایه اجتماعی استوار است، برمی‌گزینیم:

«سرمایه اجتماعی مجموعه نظام‌مند ارزش‌های غیررسمی، هنجارها، قاعده‌ها و تعهدها است که در جامعه استقرار یافته، باعث تسهیل و کارآمدی مناسبات میان اعضای آن جامعه شده و ظرفیت‌هایی برای دستیابی به هدف‌های خاص پدید می‌آورد».*

نکته قابل‌اندیشیدن آنکه کاربرد «سرمایه» در مفهوم «سرمایه اجتماعی» در بین اندیشه‌وران گوناگون زمینه‌ساز بحث‌و‌جدل‌های گوناگونی شده که دستاوردهای فراوانی را برای نظریه سرمایه اجتماعی به ارمغان آورده است (پیران و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۳). به بیان دیگر کوشش برای پاسخ به این پرسش کلیدی که چه نقاط مشترکی بین مفهوم متداول سرمایه و کاربرد آن در سرمایه اجتماعی وجود دارد، زمینه‌ساز تحول مطالعه‌های این حوزه شد. آدلر و کون (Adler & Kwon, 2002: 4) عنوان می‌دارند: اولاً سرمایه اجتماعی منبعی است که به کمک آن می‌توان بر روی منابع دیگر سرمایه‌گذاری کرد، ثانیاً سرمایه اجتماعی تصاحب‌شدنی و تا حدودی تبدیل‌پذیر است و ثالثاً سرمایه اجتماعی همانند سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی، برای آنکه قدرت تولیدی خود را حفظ کند، نیازمند مراقبت و نگهداری است. با این همه، نقطه عطف این مطالعه‌ها، نقدی بود که از جانب سولو (Solow, 2000) مطرح شد. وی اظهار داشت اگر سرمایه اجتماعی چیزی بیش از یک شعار باشد، مقدار آن هر چند غیردقیق باید قابل اندازه‌گیری باشد (دادگر و نجفی، ۱۳۸۵: ۱۹). به این ترتیب کوشش‌هایی برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی میان اندیشه‌وران آن آغاز شد.

روش‌های اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی نیز بسیار است و یک روش عمومی برای آن معرفی نشده است. مروری بر پژوهش‌های متعدد در این باره نشان می‌دهد که شناسایی

*. این تعریف برگرفته از تعریف بانک جهانی (۱۹۹۸) است که توانسته اجماع و هم‌سویی نسبی را میان اندیشه‌وران این حوزه فراهم آورد. گروتارت و تیری (Grootaert and Thierry (eds.), 2002: 3) سرمایه اجتماعی را به‌طور کلی شامل نهادها، روابط، گرایش‌ها، ارزش‌ها و هنجارهایی می‌دانند که بر رفتارها و تعامل‌های بین افراد حاکم است، روزیلند ادواردز (Rosalind Edwards, 2004) باور دارد، سرمایه اجتماعی به‌طور کلی به ارزش‌ها و هنجارهایی مربوط است که از پیوندها و روابط متقابل گروهی و اجتماعی تفاهم‌شده مردم سرچشمه گرفته و به نوبه خود پدیدآورنده آن پیوندها و روابط نیز شمرده می‌شود (پیران و دیگران، ۱۳۸۵: ۳۰-۱۹).

اجزای سرمایه اجتماعی از نخستین مرحله‌های اندازه‌گیری و ارزیابی سرمایه اجتماعی است. برژنف (۲۰۰۳) در مطالعه‌ای با عنوان روش واحد برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی ضمن احصاء و بررسی روش‌های اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی تا آن زمان، نشان داده است که شاخص و روش رابرت پاتنام (Robert Putnam) جهت برآورد سرمایه اجتماعی نسبت به روش‌های دیگر مقبولیت بیشتری دارد (سعادت، ۱۳۸۵: ۱۸۰) و از آنجا که پاتنام سرمایه اجتماعی را به معنای مشخصه‌های خاص سازمان اجتماعی مانند: اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که می‌تواند با تسهیل کنش‌های هماهنگ، کارایی جامعه را افزایش دهد (پاتنام، ۱۳۸۴: ۹۵). بنابراین کلیدی‌ترین و اصلی‌ترین نماگرهای متداول در نظریه سرمایه اجتماعی متعارف به شرح ذیل سامان یافته‌اند:

الف) آگاهی و توجه به امور عمومی مانند آگاهی درباره امور سیاسی و اجتماعی (Falk & Kilpatrick, 1999: 417-433)

ب) اعتماد به معنای باور به عملی که از دیگران انتظار می‌رود (رحمانی و امیری، ۱۳۸۶). اکثر مطالعات حوزه سرمایه اجتماعی بر اهمیت مؤلفه اعتماد تأکید کرده، در پاره‌ای از اوقات، اعتماد را هم‌معنا با سرمایه اجتماعی قلمداد کرده‌اند (نظریور و منتظری‌مقدم، ۱۳۸۷ (الف): ۴۳ و ۴۴)؛

ج) مشارکت عمومی که گاه از آن با تعبیرهای مشارکت مدنی، مشارکت اجتماعی یا همکاری اجتماعی نیز یاد می‌کنند، به معنای میزان و چگونگی شرکت در محافل، انجمن‌ها، سازمان‌های غیردولتی، احزاب، انتخابات، مراسم شادی، ترحیم، و ... به صورت دسته‌جمعی است (Bullen & Onyx, 1998; Grootaert & Others, 2005: 49)؛

د) شبکه‌های اجتماعی نیز به‌عنوان یکی دیگر از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مطرح است؛ به‌گونه‌ای که کافی است تا برای برآورد میزان سرمایه اجتماعی در منطقه‌ای، فقط گستره شبکه یا شبکه‌های موجود را اندازه گرفته و در رابطه‌ای مستقیم، اندازه سرمایه اجتماعی را سنجید. شبکه‌های اجتماعی توسعه‌یافته‌تر نشان‌دهنده سرمایه اجتماعی بیش‌تر و برعکس، شبکه‌های کم‌تر توسعه‌یافته نشانه نقصان سرمایه اجتماعی هستند (فیلد، ۱۳۸۶: ۱۶). مطابق رهیافت پیش‌گفته ادعا می‌شود چنانکه آگاهی عمومی در جامعه‌ای در حد قابل‌قبولی باشد؛ اعتماد (به‌ویژه اعتماد تعمیم‌یافته (Generalized Trust) به معنای اعتماد به افراد ناشناس) در جامعه نهادینه شده باشد؛ مشارکت اجتماعی به میزان مطلوبی فراهم باشد

و شبکه‌های اجتماعی گسترش یابند، انتظار می‌رود سرمایه اجتماعی در جامعه شکل گیرد. مطالعه‌های فراوانی بر مشارکت اجتماعی و مشارکت مدنی به‌عنوان یکی از نماگرهای اصلی سرمایه اجتماعی تأکید کرده‌اند. بوردیو (۱۹۸۵) سرمایه اجتماعی را به‌عنوان جمع منابع بالقوه‌ای می‌داند که حاصل عضویت در یک گروه است، بنابراین بر نقش مشارکت مدنی در پدیدساختن سرمایه اجتماعی تأکید می‌کند (بوردیو، ۱۳۸۴: ۱۴۷) و بر فوایدی که فرد از مشارکت در گروه به‌دست می‌آورد، متمرکز می‌شود (پورتس، ۱۳۸۴: ۳۰۹). پاتنام (Putnam, 1993) در مطالعه‌ای بدیع در مقام تبیین کارآمدی نهادهای دموکراتیک در شمال ایتالیا نسبت به جنوب آن به‌عنوان متغیر وابسته، از دو متغیر مستقل رشد اقتصادی و سرمایه اجتماعی استفاده کرد. وی که برای سنجش سرمایه اجتماعی از سه شاخص آگاهی، مشارکت و نهادهای مدنی استفاده کرده، نشان داد که وضعیت متفاوت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی شمال و جنوب ایتالیا، به‌ویژه وجود سنت‌های مدنی پایدار و همه‌گیر در شمال که افراد را در شبکه‌های روابط اجتماعی در قالب انجمن‌ها، باشگاه‌ها، احزاب و مانند آن قرار می‌دهد، همکاری میان آنها را تسهیل می‌کند (پاتنام، ۱۳۷۷: ۱۱۰). وی در مطالعه‌های بعدی خود، انزوای اجتماعی را یکی از علل اصلی کاهش سرمایه اجتماعی در ایالات متحده می‌داند (Putnam, 1995) و بر نقش مشارکت و فعالیت مدنی به‌عنوان پایه حصول به یکپارچگی اجتماعی تأکید می‌کند (فیلد، ۱۳۸۶: ۲۸).

همچنین مطالعه‌هایی که در پی تبیین و عنصرهای سرمایه اجتماعی به روش پیمایش بوده‌اند، مشارکت اجتماعی را به‌صورت یکی از عنصرها و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در نظر گرفته‌اند؛ به‌طور مثال، گروه مطالعاتی کندی دانشگاه هاروارد (۲۰۰۰) در مطالعه خود مشارکت را یکی از بُعدهای اصلی سرمایه اجتماعی معرفی می‌کند. مطالعه پیش‌گفته میان مشارکت‌های سیاسی، مدنی و مذهبی تفاوت قائل شده، نقش هر یک را در نظریه سرمایه اجتماعی برجسته می‌کند (الوانی و سیدنقوی، ۱۳۸۱: ۲۴-۱۰). بولن و اونیکس (Bullen & Onyx, 1998: 48) نیز در مطالعه خود درباره اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی در ایالتی در استرالیا (NWS) مشارکت در اجتماع ملی را به‌عنوان یکی از عنصرهای هشت‌گانه سرمایه اجتماعی معرفی می‌کند. نک و کیفر (Knack & Keefer, 1997: 1251-1288) نیز در مطالعه‌ای با عنوان *آیا سرمایه اجتماعی پیامد اقتصادی دارد؟* با استفاده از داده‌های پیمایش جهانی ارزش‌ها (World Values Survey)

هنجارهای مدنی را همراه با اعتماد به عنوان دو معیار سنجش سرمایه اجتماعی مورد استفاده قرار داده، بر عملکرد موفقیت‌آمیز آن در فرایند فعالیت‌های اقتصادی تأکید می‌کند.

مطالعه‌هایی که در ایران درباره سرمایه اجتماعی به سامان رسیده، همواره مشارکت اجتماعی را به عنوان یکی از نماگرهای آن مورد توجه قرار داده‌اند؛ به طور مثال، ناطق‌پور و فیروزآبادی در بررسی مفهوم و نظریه‌های شکل‌گیری سرمایه اجتماعی با روش «فراتحلیل» با تفکیک مشارکت‌های رسمی و غیررسمی به صورت عنصرهای سرمایه اجتماعی، نشان می‌دهند متغیرهای سن، تحصیلات، تاهل، اشتغال و درآمد با مشارکت‌های رسمی و غیررسمی رابطه مستقیم دارند (ناطق‌پور و فیروزآبادی، ۱۳۸۵: ۱۸۵-۱۸۰).

موسوی‌خامنه نیز در رساله دکترای خویش با عنوان *سرمایه اجتماعی و سلوک اجتماعی (پیامدهای مدنی سرمایه اجتماعی در مدارس)*، سرمایه اجتماعی را در سطح مدارس متوسطه مورد سنجش قرار داده، اثر آن را در رفتارها و نگرش‌های مدنی دانش‌آموزان بررسی کرده است. وی نشان می‌دهد شبکه‌های اجتماعی موجود در مدارس درباره عضویت انجمنی، گروهی و فعالیت‌های جمعی که از مصداق‌های مشارکت و سلوک اجتماعی دانش‌آموزان است، با سرمایه اجتماعی رابطه مستقیم دارد (موسوی‌خامنه، ۱۳۸۳).

غفاری در رساله دکترای خود با عنوان *تبیین عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر مشارکت اجتماعی به عنوان مکانیزمی در توسعه روستایی ایران* به کمک جامعه آماری متشکل از ۱۳ روستای شهر کاشان در پی شناسایی عوامل عدم شکل‌گیری مشارکت اجتماعی - اقتصادی به عنوان یکی از مؤلفه‌های توسعه روستایی به طور غیرمستقیم به موضوع سرمایه اجتماعی پرداخته است. وی نشان می‌دهد موانع شکل‌گیری سطوح خرد (مانند: خوداتکایی، فردگرایی، بیگانگی اجتماعی و ...) میانی (مانند: رضایت از دولت، امکانات توسعه روستاها و ...) و کلان مشارکت اجتماعی (مانند: دیوان‌سالاری، تمرکزگرایی و ...) با مشارکت اجتماعی - اقتصادی روستائیان شهر کاشان (به عنوان متغیر وابسته) ارتباط معناداری دارد (غفاری، ۱۳۷۹).

فیروزآبادی و ایمانی‌جاجرمی در مقاله‌ای با عنوان «سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی - اجتماعی در کلان شهر تهران» با معرفی مشارکت‌های رسمی، غیررسمی هم‌پارانه و مذهبی به عنوان عنصرهای سرمایه اجتماعی، رابطه بین آنها و توسعه یافتگی منطقه‌های شهر تهران را

مورد بررسی قرار داده و نتیجه می‌گیرند مناطق توسعه‌یافته‌تر میزان بیش‌تری از مشارکت‌های رسمی و غیررسمی هم‌یارانه دارند و در برابر منطقه‌های کم‌تر توسعه‌یافته میزان بالاتری از مشارکت‌های غیررسمی مذهبی دارند (فیروزآبادی و ایمانی‌جاجرمی، ۱۳۸۵: ۱۹۸).

بنابراین مشاهده می‌شود که مطالعه‌های فراوانی که درباره سرمایه اجتماعی صورت گرفته است، همگی بر مشارکت اجتماعی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی سرمایه اجتماعی تأکید دارند اما به‌رغم کوشش‌های فراوانی که در جهت تبیین جایگاه نماگر مشارکت اجتماعی در نظریه سرمایه اجتماعی متعارف شده است، این مطالعه‌ها درباره رهگیری این مؤلفه در اندیشه دینی گامی برنداشته‌اند و گویی ادبیات کاملی درباره مشارکت اجتماعی منطبق با فرهنگ دینی و ملی شکل نگرفته است و این در حالی است که چنانکه پیش‌تر نیز ذکر شد، مراجعه به منابع غنی دینی در این‌باره دستاوردهایی را به همراه خواهد داشت که در تدوین نظریه سرمایه اجتماعی در اندیشه دینی مؤثر بوده، هویت دینی و ملی ما را تقویت خواهد کرد.

چارچوب نظری

به‌طور کلی بررسی علل و اسباب بروز انواع کج‌رفتاری، نابهنجاری، جرائم و انحراف‌هایی که با مفهوم کلی آسیب‌های اجتماعی (Social Pathology) طبقه‌بندی می‌شود باعث شده است تا مطالعه‌های فراوانی در حوزه علوم اجتماعی درباره این موضوع صورت گیرد. بنابر دریافت جامعه‌شناسانه از افزایش آسیب‌ها می‌توان بیان داشت که نسخه بدیل و نقطه مقابل افزایش آسیب‌های اجتماعی از نوع «از هم‌گسیختگی» و «از خودبیگانگی»، انسجام، پیوستگی، همبستگی و مشارکت اجتماعی (Social Participation) است. به عبارت دیگر، هر کجا میزان مشارکت و پیوندهای اجتماعی کاهش می‌یابد، آسیب‌ها و انحراف‌های اجتماعی رو به افزایش می‌گذارد (توسلی، ۱۳۸۲: ۶۶ - ۲۲). جامعه‌شناسان بر این باور هستند که یکی از علل اصلی ازدیاد خودکشی، طلاق، اعتیاد، فروپاشی خانواده، افزایش جرائم علیه اشخاص، و حتی بی‌کسی و تنهایی در دنیای بیرون، ناشی از رشد نوعی فردگرایی افراطی (Individualism Egoist) و دور ماندن از هم‌بستگی‌های درون‌گروهی و ادغام در نهادهای طبیعی جامعه، مانند خانواده و اجتماع محلی است. جامعه مدنی تا

حدودی امکان صورت‌های نو از وحدت و انسجام را نوید داده است که البته با توجه به مطالعه‌های تجربی، این مناسبت‌های قراردادی، هرگز نتوانسته است جایگزین مناسبی برای هم‌بستگی‌های طبیعی باشد (همان: ۶۶). از این‌رو، امروز نیز بحث سرمایه اجتماعی بر محور هویت‌های جمعی و گروه‌های طبیعی مانند خانواده و رشد کیفی مناسبت‌های اجتماعی استوار است و ملاحظه می‌شود که بیش‌تر مطالعه‌های سرمایه اجتماعی بر مشارکت اجتماعی در جایگاه یکی از منابع سرمایه اجتماعی تأکید می‌کنند.

به‌طور کلی مشارکت کردن به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن یا در گروهی شرکت جستن و همکاری با آن است (پیرو، ۱۳۷۵: ۲۷۵). بنابراین دریافت جامعه‌شناسانه از مفهوم مشارکت، باید میان «امر شرکت کردن» و «عمل مشارکت» تمایز قائل شد. مشارکت در معنای نخست از تعلق به گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد و در معنای دوم، شرکت فعالانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی انجام‌شده نظر دارد (توسلی، ۱۳۸۲: ۶۶ و ۶۷).

مشارکت می‌تواند اشکال و درجه‌های گوناگونی مانند: همکاری، همیاری، هم‌بستگی، انطباق، سازگاری، پذیرش و ایفای نقش‌های اجتماعی و انجام وظیفه‌هایی که با این نقش‌ها ارتباط دارند، پیدا کند (پیرو، ۱۳۷۵: ۲۵۷ و ۲۵۸). در این صورت مشارکت اجتماعی عبارت از مشارکت در حیات اقتصادی، گذراندن اوقات فراغت، فرهنگ، قبول مسئولیت‌های سیاسی، مدنی و اجتماعی خواهد بود (توسلی، ۱۳۸۲: ۶۷).

مکتب‌های جامعه‌شناسی، با توجه به چشم‌اندازهای خود، تعبیرهای متفاوتی را از مشارکت اجتماعی ارائه داده‌اند. مکتب ساختارگرایی (Structuralism) باور دارد که مشارکت اجتماعی مردم، جزئی از ساخت اجتماعی هر جامعه‌ای را شکل می‌دهد. بنابراین باور اندیشه‌وران این مکتب، مشارکت اجتماعی توده مردم، ساخت‌های اجتماعی را حفظ می‌کند و باعث بقا و ادامه حیات آنها می‌شود. مکتب کارکردگرایی (Functionalism) توجه خود را به نقش‌ها و کارکردهایی معطوف می‌دارد که مشارکت افراد یا گروه‌ها در جامعه باعث پدیدآمدن آنها می‌شود (فخرایی، ۱۳۸۳: ۴۶۰ و ۴۶۱). دیدگاه‌های فرهنگی (Cultural Perspectives) جنبه‌های پویای مشارکت را بر حسب پدیدساختن تغییر در ساخت هنجاری جامعه، به‌ویژه مجموعه‌ای از ارزش‌ها که مانع یا مشوق مشارکت اجتماعی می‌شوند،

بررسی می‌کند (همان). دیدگاه‌های روان‌شناختی (Psychological perspectives) افزایش مشارکت در جامعه را ناشی از تغییر در نگرش، اندیشه و شخصیت افراد می‌داند (همان). از آنجا که در نوشتار پیش‌رو در پی تبیین جایگاه مؤلفه مشارکت اجتماعی در نظریه سرمایه اجتماعی می‌باشیم، در جمع‌بندی دیدگاه‌های نظری پیش‌گفته می‌توان نظریه «کنش اجتماعی» (Social Action) را مورد اشاره قرار داد. این نظریه بر آن است که برای تشریح مفاهیم و پدیده‌های اجتماعی، باید آنها را در قالب وسیع‌تری که متشکل از نظام اجتماعی، فرهنگی و شخصیتی است، قرار داد و با توجه به هنجارها و ارزش‌های عام جامعه، به تبیین آنها پرداخت (فخرایی، ۱۳۸۳: ۴۶۲). بنابراین مشارکت اجتماعی، مشارکتی است که ریشه در ساخت‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه دارد و متأثر از ارزش‌های فرهنگی-شخصیتی جامعه است؛ به‌طور مثال، خردگرایی به‌عنوان ویژگی رفتاری که بنابر قاعده برگرفته از ساخت‌های فرهنگی-اجتماعی و تربیتی جامعه است، روابط باز برون‌گروهی را به دنبال خواهد داشت که خود آن به مشارکت اجتماعی بیشتر می‌انجامد. همچنین عام‌گرایی به‌عنوان سبب رفتاری که متأثر از ارزش‌های دینی است، توجه به منافع عمومی و جمعی را به دنبال خواهد داشت که خود به روابط باز اجتماعی و در نتیجه مشارکت اجتماعی بیشتر خواهد انجامید.

مشارکت اجتماعی همچنین می‌تواند در دو سطح مطرح باشد (موسوی، ۱۳۸۵: ۷۱-۶۷):

۱. بُعد ذهنی مشارکت اجتماعی که همان تمایل به مشارکت است، در نتیجه اعتماد و عامل‌های دیگر زمینه‌ساز در افراد پدید می‌آید؛
۲. بُعد عینی و رفتاری مشارکت که به‌صورت عضویت، نظارت، اجرا و تصمیم‌گیری بروز می‌کند، همان پیوند عینی افراد است.

در تحلیلی متفاوت، می‌توان گفت: مشارکت اجتماعی با توجه به بُعدهای گفته‌شده، دربرگیرنده تمام عنصرهای سرمایه اجتماعی است و به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی، سبب شکل‌گیری سرمایه اجتماعی است. شاید مشارکت اجتماعی خود در نتیجه عنصرهای دیگر سرمایه اجتماعی امکان‌پذیر است. این تعبیر به روشنی پیچیدگی و ارتباط متقابل مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی را بیان می‌کند.

نکته دیگر که غفلت از آن سبب انحراف در تحلیل مشارکت اجتماعی خواهد شد آن

است که جامعه از گروه‌ها و اجتماعات بسیاری مانند: شهروندی، همسایگی، قومی، مذهبی و ... تشکیل شده است و عضویت در هر گروه اجتماعی الزاماً به شرکت و سهیم شدن در امور، مشارکت و هویت‌یابی نمی‌شود. این همان است که پیش‌تر از آن با عنوان «امر شرکت‌کردن» و «عمل مشارکت» یاد کردیم. مطابق با این ایده - که برگرفته از نظریه پاتنام است* - هرگاه جامعه یا نهاد اجتماعی بتواند مشارکت اعضای خود برای دستیابی به هدف‌های خاص یا حل مسئله‌ای جلب کند، گفته می‌شود که آن جامعه سرمایه اجتماعی دارد.

مطابق با پارادایم ترسیم‌شده، در پژوهش پیش‌رو ضمن توجه به «عمل مشارکت» در نظریه «کنش اجتماعی» بر هر دو بُعد مشارکت اجتماعی تأکید شده، کوشش می‌شود تا این نماگر در اندیشه دینی با توجه به متون و نصوص معتبر موجود بازخوانی شود.

مشارکت اجتماعی از دیدگاه اسلام

چندوجهی بودن سرمایه اجتماعی سبب شده است تا این مفهوم به ناچار بُعدهای متعددی پیدا کند به‌گونه‌ای که محققان سرمایه اجتماعی آن را متشکل از دو بُعد بدانند:

۱. پیوندهای عینی میان افراد به معنای ساختار شبکه‌ای عینی که افراد را به یکدیگر مرتبط می‌سازد؛
۲. پیوندهای ذهنی به این معنا که روابط میان افراد باید ویژگی‌های خاصی داشته، مبتنی بر ارزش‌ها، هنجارها، باورهای مشترک و ... باشد (فیروزآبادی و ایمانی‌ججرمی، ۱۳۸۵: ۲۰۱).

این تقسیم‌بندی از آن جهت اهمیت دارد که محدودکردن مفهوم به ساختارها و پیوندهای عینی و ذهنی همواره مشکل‌هایی را در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی پدید آورده است. به عبارت دیگر، تعامل اجتماعی زمانی می‌تواند به سرمایه تبدیل شود که بتواند اثرهای خود را استمرار بخشد و این امر مستلزم فراهم‌آمدن سرمایه اجتماعی ذهنی و عینی به‌صورت هم‌زمان است. مشابه همین استدلال را می‌توان درباره نماگر مشارکت اجتماعی نیز بیان کرد. چنانکه مشارکت اجتماعی به معنای عضویت در گروه‌ها و انجمن‌ها بدون فراهم‌بودن نهادها، هنجارها، ارزش‌ها و باورهای مشترک در جامعه شکل گیرد، در بهترین صورت، امر مشارکت اجتماعی محقق شده است و نه عمل مشارکت. در نتیجه انتظار فراهم‌آمدن سرمایه اجتماعی در جامعه، انتظاری بیهوده خواهد بود. این موضوع درباره بُعد ذهنی

*. پاتنام باور دارد که سرمایه اجتماعی ذاتاً مادی نیست و در فرد هم وجود ندارد بلکه در روابط بین افراد وجود دارد و آنجا ظاهر می‌شود (Putnam, 1993: 30).

مشارکت اجتماعی نیز صادق است؛ اگر امکان پدیدساختن شبکه‌های اجتماعی در قالب انجمن‌های داوطلبانه و ... فراهم نباشد، هنجار مشارکت اجتماعی در ذهنیت افراد جامعه به شکل آرمانی غیرعملی باقی خواهد ماند. بنابراین مطلوب آن است که مشارکت اجتماعی در هر دو بُعد ذهنی و عینی شکل گیرد و در این صورت انتظار می‌رود زمینه تقویت سرمایه اجتماعی در جامعه فراهم شود. با این همه به نظر می‌رسد در گام نخست، تدوین بُعدهای ذهنی مشارکت اجتماعی اولویت داشته باشد زیرا چنانکه مشارکت اجتماعی در بُعد ذهنی به صورت مطلوبی وجود داشته باشد، شکل‌گیری آن در عینیت روابط اجتماعی به طور شایسته‌تری امکان‌پذیر خواهد بود.

بنابراین در مقام بازخوانی «مشارکت اجتماعی از دیدگاه اسلام» ضمن عنایت به بُعدهای عینی روابط افراد جامعه اسلامی و ضرورت شکل‌گیری آن (که مصداق عینی آن را در زمان پیامبر اکرم اسلام ﷺ و امیر مؤمنان علی علیه السلام در دسترس است)، تأکید پژوهش حاضر را بر تبیین بُعدهای ذهنی مشارکت اجتماعی در جامعه اسلامی قرار می‌دهیم.

مساجد و مشارکت اجتماعی

مسجد یا به طور کلی معبد، در تمام ادیان و مذاهب وجود داشته است (بازرگان، [بی تا]: ۳) اما در اسلام، مسجد جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارد چرا که مسجد از منظری از آن خدا است (جن (۷۲)، ۱۸) و از نگاهی دیگر، مجلس و جایگاه پیامبران الهی (محدث‌نوری، ۱۴۰۸: ۳، ۳۶۳) و خانه تقوای پیشگان است (همان: ۳، ۳۶۲). مسجد در قاموس وحی متعلق به ذات اقدس الهی است و خداوند متعال خود مسجد را بزرگ داشته، به بزرگداشت آن فرمان فرموده و آن را محل پرستش خالصانه و توحید ناب قرار داده است (نور (۲۴)، ۳۶). تمام موارد پیش گفته در کنار کارویژه‌های مسجد در تاریخ اسلام - مانند: کارکردهای سیاست‌گذاری، قضاوت، رسیدگی به امور مسلمین، تدارک جنگی و ... - و نقش برجسته آن در هدایت و حرکت نهضت اسلامی، اهمیت آن را در اندیشه دینی دو چندان می‌کند. از این رو شایسته است تا مطالعه‌های جامعی درباره بُعدهای عبادی، فرهنگی، نظامی و سیاسی - اجتماعی مسجد صورت گیرد. اما آنچه که در این مجال به آن اشاره خواهد شد، نقش این نهاد مقدس در خلق نماگر «مشارکت اجتماعی» در نظریه سرمایه اجتماعی از دیدگاه اسلام است.

درباره کارکردهای اولیه مساجد، منابع مکتوب بسیار نادر است (شریف‌پور، ۱۳۸۰: ۴۱)

و یگانه کتابی که درباره کارکرد مسجد نگارش یافته، کتابی با عنوان *مسجد و اجتماع* نوشته مهدی بازرگان است. وی می‌گوید:

«عملاً در تاریخ می‌بینیم که در معبدها، همراه با نیایش بت‌ها یا خدا، موضوعات اصلی وابسته به اجتماع همیشه به صورتی وارد شده است؛ به‌طور مثال در روم، کهنه معابد، برای لشکرکشی‌ها تغال می‌زدند و نذر و قربانی‌ها نثار بت‌ها می‌کردند ... در نزد مسیحیان به‌طوری که می‌دانیم مراسم عقد و ازدواج ... در کلیسا و به‌وسیله کشیش انجام می‌گیرد ...» (بازرگان، [بی‌تا]: ۴).

بازرگان در جایی دیگر از این کتاب می‌نویسد:

«درباره موضوع‌های اجتماعی و عملکردهای گوناگون مساجد صدر اسلام، ظاهرتر و عمومی‌تر از ادیان دیگر، این خاصیت دیده می‌شود. مسجد مسلمانان و خانه پیامبر اکرم ﷺ در یکجا است و آنجا مبدأ رسالت و تبلیغ، مرکز فرماندهی، محل قضاوت و سیاست و میعادگاه تجمع و تصمیمات است» (همان: ۶).

با واکاوی منابع تاریخی روشن می‌شود که مسجد در صدر اسلام به‌عنوان چهار کانون و

پایگاه مهم اجتماعی ذیل میان مسلمانان مطرح بود:

۱. به‌عنوان محل عبادت و یاد خدا؛
۲. پایگاه جهاد فکری و تعلیم و تعلم معارف اسلامی و محل قضاوت اسلامی؛
۳. پایگاه تجمع رزمندگان اسلام و اعزام آنان به جبهه‌های جهاد؛
۴. پایگاه وحدت مسلمانان و نمایش روح وحدت و یکپارچگی به دشمنان پیدا و پنهان جامعه اسلامی (نویسار، ۱۳۷۲: ۱، ۱۵ و ۱۶).*

کارویژه‌های مساجد در صدر اسلام در حقیقت ترسیم‌کننده جایگاه ویژه مسجد در حیات جامعه اسلامی و بیانگر نقش برجسته آن در خلق انگیزه مشارکت آگاهانه عمومی و در نتیجه سرمایه اجتماعی از دیدگاه اسلام است. مساجد در صدر اسلام در جایگاه کانونی

* با گذشت نیم قرن از صدر اسلام و با انتقال حکومت به امویان و عباسیان، مساجد پیوسته از وظیفه‌های اولیه خود دور شده، به تدریج عملکرد خود را از دست می‌دهند. مساجد که در آغاز نشاط، پویایی و عملکردهای گوناگونی داشتند، به تدریج به مراکز بی‌روح تبدیل شدند. البته در دوره‌های گوناگون تاریخی و با توجه به وقایع گوناگون پیش آمده، هر از گاهی مساجد، گوشه‌ای از کارکردهای اولیه خویش را باز یافته‌اند؛ به‌طور مثال، می‌توان به نقش تاریخی مساجد در دوران نهضت مشروطه و سرانجام نقش ویژه و منحصر به فرد مساجد در به ثمر نشستن انقلاب اسلامی ایران اشاره کرد (الگار، ۱۳۶۵: ۱۵۴ و شریف‌پور، ۱۳۸۰: ۴۳).

برای تهییج، تحریک و ترغیب مردم به همکاری، همیاری، همبستگی و مساعدت عمل کرده، تعامل‌ها و کنش‌های اجتماعی را تسهیل می‌کند و می‌توان ادعا کرد که حیات اجتماعی اسلام در برهه‌های زمانی گوناگون و حساس تاریخی به واسطه نقش مسجد در پدیدساختن مشارکت اجتماعی احیا، تقویت و حفظ شده است. حضور در مسجد از آنجا که روحیه همبستگی و تعاون را در قالب مشارکت‌های غیررسمی نهادینه می‌کند، مشارکت اجتماعی را در پی داشته، به خلق سرمایه اجتماعی می‌انجامد؛ به‌طور مثال، حضور مستمر افراد در مسجد و نهادهای مرتبط با آن، در مدتی کوتاه، ناخودآگاه باعث تحریک احساس‌های درونی نسبت به یکدیگر می‌شود و همین امر حس همیاری و همکاری را در افراد جامعه تقویت و نهادینه می‌کند.

گذشته از این، انگیزه‌هایی که رنگ الهی به خود می‌گیرد، در تثبیت روابط پدید آمده، نقش کلیدی دارد و انتظار بر آن است که مشارکت اجتماعی برآمده از این نهاد، کارکردی مناسب‌تر و کارا تر از عضویت، مشارکت در انجمن یا باشگاه ورزشی داشته باشد. مطابق با این رویکرد، شاید بتوان یکی از دلایل اصلی تأکیدها و سفارش‌های فراوان دین مبین اسلام مبنی بر حضور در مساجد و شرکت در نماز جماعت (نور (۲۴)، ۳۶؛ مجلسی، ۱۳۷۱: ۷۶، ۳۳۶؛ ۷۷، ۸۵ و ۸۳، ۳۵۴) را نقش کلیدی این نهاد در خلق مشارکت آگاهانه اجتماعی و در نتیجه خلق سرمایه اجتماعی دانست.

جهاد در راه خدا و مشارکت اجتماعی

جهاد که با تاریخ اسلام عجین شده است و از آموزه‌های مهم دینی شمرده می‌شود، همواره انسان را لبریز از لطف ایثار و شهادت می‌کند. موضوع جهاد در اسلام، چنان جایگاه عظیم و رفیعی دارد تا آنجا که در قرآن هم‌ردیف ایمان شمرده شده و کسی که به آن مبادرت ورزد، از موهبت‌های الهی مانند: رحمت، بخشش، رضایت و بهشت برین بهره‌مند می‌شود (ر.ک به: مصطفوی، ۱۳۸۴).

جهاد و شهادت در راه خدا زاویه‌های متعددی است که شرح تمام آنها در نوشتار پیش‌رو امکان‌پذیر نیست اما یکی از مواردی که ما را بر این داشت تا این مؤلفه را به‌عنوان یکی از نماگرهای نظریه سرمایه اجتماعی در اندیشه دینی شرح دهیم این است که، توصیه به جهاد و حضور در جنگ‌ها از سوی شارع مقدس و در حقیقت، تشویق و ترغیب جامعه

اسلامی به جهاد، مشارکتی آگاهانه در حفظ تمامیت جامعه اسلامی و کیان دین الهی است. جهاد به هر پیکاری گفته نمی‌شود؛ بلکه جهاد، نبردی است که در راه خدا باشد و نه در راه طاغوت (نساء (۴)، ۷۶).

مروری بر تاریخ صدر اسلام و بازخوانی غزوه‌ها و سریه‌های* آن گویای مشارکت عمومی و در نتیجه سرمایه اجتماعی بالای آن دوران است چرا که اجتماع مسلمانان در فواصل کوتاه زمانی میان جنگ‌های صدر اسلام، خود بیانگر مشارکت عمومی مسلمانان است؛ چنانکه در فاصله کوتاه، مجاهدان افزون بر رسیدگی به امورات خانواده و ترمیم خسارت‌های ناشی از جنگ، خود را برای کارزاری دیگر آماده می‌کردند.

بنابراین آنچه که در پژوهش پیش‌رو مورد تأکید است، نقش جهاد در جایگاه یکی از اساسی‌ترین فرائض و نهادهای دینی است؛ به گونه‌ای که امیر مؤمنان حضرت علی (ع) درباره آن می‌فرماید:

«جهاد در راه خدا، دری از درهای بهشت است که خدا آن را به روی دوستان ویژه خود گشوده است. جهاد، لباس تقوا، زره محکم و سپر مطمئن خداوند متعال است، کسی که جهاد را ناخوشایند دانسته و ترک کند، خدا لباس ذلت و خواری بر وی می‌پوشاند و دچار بلا و مصیبت، و کوچک و ذلیل می‌شود، دل وی در پرده گمراهی مانده و حق از وی رو می‌گرداند، به جهت ترک جهاد، به خواری محکوم و از عدالت محروم است» (نهج البلاغه: خ ۲۷، ۷۵).

جهاد در فرهنگ اسلامی با انگیزه‌های الهی، «فی سبیل الله» و برای مقابله با ظلم و ظالم، مشارکتی همگانی را به همراه خواهد داشت؛ به گونه‌ای که مجاهد فی سبیل الله حاضر است برای دفاع از جامعه اسلامی و مسلمانان جان شریف خود را در کف اخلاص نهاده و به این ترتیب در حفظ ارزش‌های الهی و انسانی مشارکت تمام و کمال خود را به منصفه ظهور برساند. بی‌تردید، چنین نهاد مقدسی، ارتباطات اجتماعی را تسهیل می‌کند و زمینه را برای خلق سرمایه اجتماعی فراهم می‌آورد.

آیه‌ها و روایت‌ها در این باره بسیار فراوان هستند که در اینجا فقط به چند مورد از آنها اشاره می‌شود. نکته قابل توجه اینکه، هنگامی که قرآن از جهاد و قتال سخن می‌گوید، جهت‌های متفاوتی از آن را مورد ملاحظه قرار می‌دهد: گاه مسلمانان را به جهاد ترغیب

* غزوه، عبارت بود از گسیل سپاه اسلام به رهبری شخص پیامبر اکرم (ص) و سریه، جنگ‌هایی بود که به دستور پیامبر اکرم (ص) و به رهبری کسی که حضرت وی را منصوب می‌کرد، اتفاق می‌افتاد (اشراق، ۱۳۶۸: ۲۶).

می‌کند (انفال (۸)، ۶۵)؛ گاه از مقام و منزلت مجاهد و شهید در راه خدا سخن می‌گوید (آل عمران (۳)، ۱۶۹؛ بقره (۲)، ۱۵۴)؛ گاه بر وجوب جهاد تأکید می‌کند (بقره (۲)، ۲۱۶)؛ گاه از پاداش و اجر عظیم آنان سخن می‌گوید (نساء (۴)، ۷۴)؛ گاه از درجات رفیع مختص آنان سخن به میان می‌آورد (همان: ۹۵ و ۹۶) و گاه معامله خدا با مجاهد را گوشزد می‌کند (توبه (۹)، ۱۱۱) که در تمام موارد پیش گفته، می‌توان اهمیت جهاد و لزوم شرکت در جنگ‌ها را از دیدگاه قرآن کریم به روشنی دریافت. حس مسئولیت عمومی و از خودگذشتگی برای حضور در جهاد فی سبیل‌الله جهت زنده نگه‌داشتن ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی و محافظت از حدود و ثغور جامعه اسلامی، می‌تواند مشارکت عمومی را بیش از پیش افزایش داده و بهبود بخشد.

نهاد امر به معروف و نهی از منکر و مشارکت اجتماعی

امر به معروف و نهی از منکر یکی از اساسی‌ترین احکام دین مبین اسلام است که نقشی کلیدی در فراهم کردن اسباب مشارکت عمومی و خلق سرمایه اجتماعی در نظام اسلامی دارد. از آنجا که انسان موجودی اجتماعی است و زندگی وی فطرتاً به صورت جمعی است، باید طبق نظم و قوانینی زندگی اجتماعی خود را سامان دهد اما اجرای صحیح این قوانین نیازمند ضمانت‌های اجرایی است که این ضمانت اجرایی در دیدگاه اسلام بر عهده دو نهاد قرار داده شده است: یکی تقوا و دیگری امر به معروف و نهی از منکر (فتحی، ۱۳۷۹: ۱۷ و ۱۸). امروزه حفاظت جوامع در برابر فساد، زورگویی، انحراف و دیگر رذیلت‌های اجتماعی نیاز به نهادهای نظارتی گسترده و قوی دارد. این موضوع در اندیشه اسلامی، در قالب دو فریضه «امر به معروف» و «نهی از منکر» به طور بسیار وسیع، منطقی و حساب‌شده عنوان شده است و در صورت اجرای صحیح آن در جامعه، اهرمی نیرومند برای ریشه‌کن کردن فساد و عاملی استوار برای سوق دادن فرد و جامعه به سوی تکامل همه جانبه معنوی و مادی عمل خواهد کرد.*

امر به معروف و نهی از منکر در چهار بُعد قابل تصور است:

*. به‌رغم آیه‌ها و روایت‌های فراوان درباره امر به معروف و نهی از منکر، مشاهده می‌شود که این اصل اساسی اسلام حتی به اندازه روزه، صدقه و دیگر احکام معمولی دین، در میان مردم رواج ندارد (آیتی اسلامی، [بی تا]).

نخست، مردم به مردم: که به واسطه آن مردم از راه نظارت غیررسمی و هنجارهای مورد قبول خویش اقدام می‌کنند. مردم موظف هستند در برابر هنجارهای غیرارزشی دیگران سکوت نکرده، موارد اختلاف را تذکر دهند؛

دوم، مردم به دولت: از آنجا که هر حکومتی در معرض فساد و انحراف قرار دارد، این شکل از امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند تضمین‌کننده کارآمدی دولت اسلامی باشد؛ سوم، دولت به مردم: دولت باید با تدبیرهایی بکوشد تا ارزش‌های عمومی جامعه زیر پا گذاشته نشود. نهادهای پیش‌گفته می‌تواند عامل مهمی در جلوگیری یا کاهش جرایم شده، زمینه‌ساز ارزش‌های اخلاقی شود؛

چهارم، دولت به دولت: در این حالت نهادهای نظارت حکومتی باید به‌طور دقیق مجموعه فعالیت‌های حکومت را در نظر داشته از انحراف احتمالی آن جلوگیری کند (یوسفی، ۱۳۸۶: ۲۲۸ - ۲۲۵).

بر این اساس، آیه‌ها و روایت‌های فراوانی، همگان را در جامعه اسلامی به انجام این دو فریضه مهم، ملزم می‌کند. تا آنجا که در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این چنین می‌خوانیم:

«کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند، جانشین خداوند متعال در زمین و جانشین رسول خدا و جانشین کتاب خدا است» (نوری، ۱۳۷۵: ۱۶).

امیر مؤمنان علیه السلام در لحظات واپسین حیات شریف خود می‌فرماید که امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید زیرا در این صورت انسان‌های شرور بر شما مسلط شده و آنگاه دعا می‌کنید و دعای شما مستجاب نمی‌شود. روایت‌های پیش‌گفته، حکایت از این امر دارد که امر به معروف و نهی از منکر، یک وظیفه الهی است و دین و جامعه با تمام بُعدهای گوناگونش به آن بستگی دارد. بی‌تردید جامعه انسانی در پرتو اجرای این دو فریضه از سقوط نجات یافته و حتی زمینه‌های سقوط را از بین برده و با تحقق چنین شرایطی زمینه تکامل انسان‌ها و وارستگی آنها از پلیدی‌ها پدیدار شده و جامعه به حیات طیبه می‌رسد.*

بنابراین نهاد امر به معروف و نهی از منکر، در اندیشه دینی جایگاه بسیار والایی دارد و قهراً در حوزه‌های متعددی قابل بحث است اما آنچه که در پژوهش پیش‌رو بر آن تأکید

*. امام خمینی علیه السلام در اهمیت این دو فریضه می‌نویسد: «این دو از بالاترین و گران‌قدرترین فریض اسلامی است و به وسیله اینها است که فریض دیگر بر پا داشته می‌شود و دین مبین نظم می‌یابد و زندگی در دنیای اسلام رونق می‌گیرد» (به نقل از: کورانی، ۱۳۶۱: ۱۷).

می‌شود، اثرها و نتیجه‌هایی است که این فریضه مهم اسلامی در خلق مشارکت عمومی و در نتیجه پدیدساختن سرمایه اجتماعی خواهد داشت. ناگفته نماند که از جست‌وجو در فرمایش‌های امامان معصوم علیهم‌السلام درباره امر به معروف و نهی از منکر دانسته می‌شود که «تمام کارهای نیک حتی جهاد در راه خدا، در برابر امر به معروف و نهی از منکر، همچون دمیدنی است به دریای پر موج پهناور» (نهج‌البلاغه: ۴۲۹) و نیز «فرائض و دیگر واجبات دین به وسیله آن بر پا می‌شود و در پرتو آن، راه‌ها امن می‌شود، کسب‌وکار مردم حلال می‌شود و حقوق افراد تأمین می‌شود و زمین‌ها آباد می‌شود ... و همه کارها به سامان می‌رسد» (ورام، [بی تا]: ۲، ۱۲۵). نتیجه آنکه، این دو فریضه الهی اهمیت ویژه‌ای در حیات اجتماعی جامعه دینی دارد. آیه‌های ۱۵۷ و ۱۹۹ سوره اعراف و آیه ۵۵ سوره مریم نیز نشان می‌دهد که امر به معروف و نهی از منکر از ویژگی‌های پیامبران است. همچنین آیه‌های ۷۱ و ۱۱۲ سوره توبه، این دو فریضه را از صفات مؤمنان بر می‌شمارد.

آن‌گونه که از آیه‌ها و روایت‌ها متعدد بر می‌آید، امر به معروف و نهی از منکر، گویی احساس مسئولیت در برابر مردم است و مشکل‌های آنان را مشکل‌های خود دانستن، است. امر به معروف، نشانه تعهد انسان درباره سلامت جامعه، مقام و حقی است که خداوند متعال به اهل ایمان داده است تا بر اعمال یکدیگر نظارت داشته باشند. این همان اصلی است که از آن با عنوان اصل «نظارت عمومی» و «مسئولیت همگانی» یاد می‌شود و در نتیجه اجرای صحیح و کامل آن - به گونه‌ای که تمام افراد جامعه نسبت به یکدیگر حق و مسئولیت دارند* - اصلاح پایدار جامعه اسلامی فراهم خواهد آمد. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

«هر کس برادر دینی خود را بر انجام امر ناپسندی مشاهده کند و وی را از آن کار باز ندارد، در حالی که توانایی جلوگیری داشته باشد، همانا به وی خیانت ورزیده است» (صدوق، ۱۴۰۶: ۲۲۲).

نکته پایانی درباره نهاد امر به معروف و نهی از منکر اینکه، در نظریه سرمایه اجتماعی از دیدگاه اسلام، نهاد پیش‌گفته از آنجا که اسباب مشارکت عمومی و نیز مسئولیت همگانی افراد جامعه در نظارت عمومی را فراهم می‌آورد و نیز با عنایت به تأکیدهای فراوان و جایگاه عظیم آن در اندیشه دینی که آن را هم‌ردیف ایمان به خدا قرار می‌دهد و به

*. کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتہ (مجلسی، ۱۳۷۱: ۷۲، ۳۸).

سامان رسیدن دیگر فریضه‌ها و واجبات دینی را در گرو احیای آن می‌داند، به روشنی دریافت می‌شود که «امر به معروف و نهی از منکر» یکی از نماگرها و مؤلفه‌های اساسی در نظریه سرمایه اجتماعی از منظر اسلام شمرده می‌شود که نظریه‌های متعارف سرمایه اجتماعی از آن بی‌بهره هستند و مرز روشنی میان نظریه متعارف سرمایه اجتماعی و نظریه سرمایه اجتماعی در اندیشه دینی ترسیم می‌کند.

نکته دیگر اینکه، موارد گفته‌شده، که به‌طور عمده در خلق سرمایه اجتماعی و تثبیت آن در جامعه اسلامی از دید ذهنیات عمل کرده، بستر مناسبی را برای پدیدساختن و تقویت سرمایه اجتماعی از دید عینیات نیز فراهم می‌آورد.

گفتنی است موارد دیگری از حیات اجتماعی در اندیشه دینی مانند: ضرورت مشورت و فکر جمعی، نیک‌خواهی در مشورت، مناسک جمعی اعم از حج، نماز جمعه، تکافل عام (ضرورت برطرف کردن نیازهای حیاتی افراد در جامعه اسلامی به‌وسیله مسلمانان دیگر) و ضمان اعاله (ضرورت تأمین زندگی لایق به شأن افراد به‌وسیله دولت اسلامی) و ... را نیز می‌توان به فهرست پیشین افزود.

نقش مشارکت اجتماعی از دید اسلام در توسعه اقتصادی

در مناطق در حال توسعه، اغلب کشورهایی با سرمایه‌های طبیعی، فیزیکی و انسانی مشابه را مشاهده می‌کنیم که به سطوح بسیار متفاوتی از کامیابی اقتصادی دست یافته‌اند. پارادوکس پیش‌گفته، متخصصان را وادار می‌دارد که به تحقیق درباره ارائه توضیح‌های قانع‌کننده‌تر و عمیق‌تر در این باره که چه عاملی مردم و جوامع را برای گسترش توسعه اقتصادی کنار هم نگاه می‌دارد، دست زنند.

تا دهه ۱۹۹۰ عمده نظریه‌های توسعه، دیدگاه‌هایی نارسا و متناقض درباره نقش روابط اجتماعی در توسعه اقتصادی داشتند و توصیه‌های سیاستی سازنده‌ای که عرضه می‌کردند چندان قابل استفاده نبود؛ به‌طورمثال، در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ روابط اجتماعی و راه‌ورس‌های سستی زندگی مانند موانعی بر سر راه توسعه تلقی می‌شد. چنانکه در یکی از اسناد معتبر وقت، متعلق به سازمان ملل در ۱۹۵۱، برای آنکه کار توسعه پیش رود، گفته شده است:

«فلسفه‌های قدیمی باید ابطال شوند، نهادهای کهنه اجتماعی از هم بپاشند، زنجیرهای عقیده و نژاد باید از هم گسسته شوند و افرادی که قادر نیستند قدم به قدم با پیشرفت

حرکت کنند باید از زندگی آسوده چشم‌پوشند و تن به قبول نومی‌دی بدهند» (وولکاک و نارایان، ۱۳۸۵: ۵۳۱ و ۵۳۲).

این دیدگاه، دهه ۱۹۷۰ جای خود را به نظریه‌های وابستگی (Dependency Theory) و نظام جهانی (World System Theory) داد. مطابق این نظریه‌ها، روابط اجتماعی در بین نخبگان حقوقی و سیاسی سازوکار اصلی استثمار سرمایه‌دارانه است. در این دیدگاه‌ها ویژگی‌های اجتماعی جوامع فقیر تقریباً یک‌سره از نقطه‌نظر رابطه آنان با ابزار تولید و ناسازگاری ذاتی بین منافع طبقه سرمایه‌دار و کارگر تفسیر می‌شد. امکان (یا ضرورت) رابطه متقابل سودمند بین کارگران و صاحبان سرمایه یا طیف بسیار متنوع کشورهای در حال توسعه از نظر کامیابی، بسیار به اختصار ذکر می‌شد یا به کلی مسکوت می‌ماند. در عین حال، دیدگاه‌های اجتماع‌گرایانه (Communitarian) بر سودمندی و خودکفایی اجتماعات تأکید می‌کرد، جنبه‌های منفی تعهدهای گروهی را دست کم می‌گرفت و اهمیت روابط اجتماعی در ساختن نهادهای رسمی مؤثر را نادیده می‌انگاشت (پورتس، ۱۳۸۵: ۳۱۴-۳۰۶).

نظریه پردازان نئوکلاسیک و متخصصان «انتخاب عمومی» که در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بیش‌ترین نفوذ را داشتند به نوبه خویش، ویژگی‌های مشخصی برای روابط اجتماعی قائل نمی‌شدند. این دیدگاه‌ها که کانون توجهشان به کارگیری عقلانیت ابزاری بود، باور داشتند که بنگاه‌ها (و به‌طور کلی گروه‌ها) در درجه نخست به آن سبب موجودیت دارند که در زمان‌های گوناگون و تحت الزامات بودجه و قیدوبندهای قانونی دیگر، هزینه‌های معاملاتی (Transaction Costs) را حداقل کنند.

بنابراین عمده نظریه‌های توسعه، روابط اجتماعی را فوق‌العاده نامربوط و بی‌فایده تأویل می‌کردند. رویدادهای بعد از جنگ سرد، درک و ارزیابی پیچیده‌تری از رذیلت‌ها، فضیلت‌ها و فرازونشیب‌های بُعدهای اجتماعی را به علت آنکه با ثروت و فقر ملل مربوط می‌شود، طلب می‌کرد. ادبیات سرمایه اجتماعی در گسترده‌ترین معنای خود، معرفت نخستین کوشش برای نزدیک شدن به پاسخ این چالش است. با این حال، وجود بحران‌های متعدد طی دهه ۹۰ میلادی از جمله فروپاشی نظام کمونیسم در روسیه، مشکل‌های ناشی از استقرار نهاد بازار در اقتصادهای در حال گذار، بحران‌های مالی موجود در مکزیک، برزیل و کشورهای آسیای شرقی و فقر مزمن حتی در کشورهای پیشرفته، محققان را بر آن داشت تا با مطالعه وضع موجود به

چاره‌اندیشی بنشینند. یکی از نتیجه‌های مطالعه‌های پیش‌گفته این بود که «فساد اثرهای جدی و چشم‌گیری بر هزینه‌های مبادله دارد» (برهان‌یزدانی، ۱۳۸۳: ۵۹)؛ بنابراین با توجه به وجود این موانع و مشکل‌ها توجه به بُعدهای نهادی و اجتماعی توسعه اقتصادی بیش‌تر شد.

مهم‌ترین کاربرد مفهوم سرمایه اجتماعی در اقتصاد، ساختن پلی میان نظریه‌های اقتصادی و جامعه‌شناختی است که باعث می‌شود بُعدهای اجتماعی سیاست‌های اقتصادی و پیامدهای اجتماعی آنان در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها مورد توجه قرار گیرند. به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی باعث غنی‌تر شدن نظریه‌های توسعه شده‌اند؛ چرا که در جهان امروزی با وجود منازعه‌های قومی، نژادی، فرهنگی، بحران‌های مالی و ... نمی‌توان یک روش خاص و از پیش تعیین‌شده را تعیین کرد بلکه این امر با مطالعه‌های میان‌رشته‌ای و بین‌بخشی می‌تواند محقق شود.

گذشته از اینها نوشتار پیش‌رو در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که نماگر مشارکت اجتماعی از دید اسلام، چگونه بر توسعه اقتصادی اثر می‌گذارد. به عبارت دیگر، سازوکار اثرگذاری مؤلفه پیش‌گفته در توسعه اقتصادی کدام است؟ به نظر می‌رسد پاسخ به این پرسش، با توجه به کارکردهای مشارکت اجتماعی از دیدگاه اسلام روشن باشد.

مشارکت اجتماعی و امنیت

بی‌گمان استقرار امنیت از جمله بحث‌های مهم و مبنایی در سازمان‌دهی امور و انتظام در کارهای حکومتی است چرا که بدون وجود امنیت، انتظار تحقق توسعه بسیار نابجا است. مؤلفه مشارکت اجتماعی در اندیشه دینی که مبتنی بر فرهنگ جهاد است، نقش ویژه‌ای در استقرار امنیت در جامعه ایفا خواهد کرد. عنوان می‌شود که امنیت، سطوح متعددی دارد که مهم‌ترین آن، امنیت در سطح خرد و کلان است. امنیت در سطح خرد شامل فرد و گروه‌های اجتماعی است، در حالی که امنیت در سطح کلان شامل دولت و نهادهای فرافردی است. امنیت انواع گوناگونی نیز دارد: امنیت عمومی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و (سرلک‌زایی، ۱۳۸۵: ۱۳۷).

تقویت فرهنگ جهاد در راه خدا و مشارکت آگاهانه قشرهای گوناگون جامعه در آن، وضعیتی را پدید می‌آورد که امنیت در سطوح و انواع متعدد آن به‌دست آید. در چنین

وضعیتی دشمنان امنیت و آرامش، توان مقابله با این نیروی عظیم را نخواهند داشت. حماسه هشت سال دفاع مقدس در این باره خود گویا است. بی‌شک، در صورت بسط این فرهنگ متعالی و با توجه به سابقه درخشان تاریخی، مزدوران و دشمنان انقلاب اسلامی جرئت هجمه به این کشور و از بین بردن امنیت و آرامش آن را نخواهند داشت. در چنین شرایطی انتظار بر این است که در لوای این امنیت، بستر مناسبی برای رسیدن به توسعه اقتصادی فراهم شود.

مشارکت اجتماعی و کارآمدی دولت

جایگاه و چگونگی حضور دولت در اقتصاد، همواره یکی از بحث‌های جدی در حوزه اقتصاد بخش عمومی است. نقش دولت در فرایند توسعه‌یافتگی یا تداوم عقب‌ماندگی بسیار اهمیت دارد. امروز علت عقب‌ماندگی کشورها در فقر منابع و علت توسعه‌یافتگی برخی کشورها در کثرت منابع و فراوانی منابع طبیعی جست‌وجو نمی‌شود بلکه کلید توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی در ساختار حکومتی و سوءتدبیر دولت‌ها جست‌وجو می‌شود (یوسفی، ۱۳۸۶: ۲۲۲). رواج رشوه، تخصیص منابع عمومی به افراد ممتاز، تدوین قانون‌های ضعیف، جابه‌جایی بی‌حساب کارکنان، فقدان شایسته‌سالاری از نشانه‌های عدم کارآمدی دولت‌ها است که به روشنی در فرایند توسعه، خلل پدید آورده، دستیابی به توسعه را دشوار و گاه ناممکن می‌سازد. بی‌تردید نهادینه‌شدن نظام «نظارت همگانی» در جامعه می‌تواند از اثرهای مخرب ناکارآمدی دولت کاسته، راه توسعه اقتصادی را هموار سازد.

بدیهی است که این نظام نظارت همگانی در جامعه دینی، در صورت نهادینه‌سازی نهاد امر به معروف و نهی از منکر، به بهترین وجه ممکن محقق خواهد شد. امر به معروف و نهی از منکر مردم به دولت، می‌تواند تضمین‌کننده کارآمدی دولت و در نتیجه حرکت به سوی توسعه اقتصادی باشد اما باید توجه داشت که این حالت از امر به معروف و نهی از منکر به سادگی امکان‌پذیر نیست چرا که مردم به‌طور معمول ابزار قدرتی و اثرگذار ندارند. به‌نظر می‌رسد در عصر حاضر و با توجه به توسعه مردم‌سالاری در جوامع اسلامی، امکان تحقق این فرضیه مهم الهی بیش از گذشته فراهم باشد. شکل‌گیری احزاب، تشکلهای انجمن‌های اسلامی، مطبوعات آزاد و مستقل که به‌طور دائم در حال رصدکردن فعالیت‌های

دولت باشند، در این باره راه‌گشا خواهد بود. همچنین امر به معروف و نهی از منکر دولت به دولت باعث شکل‌گیری نهادهای نظارتی قوی حکومتی شده، از انحراف‌های احتمالی دولت جلوگیری می‌کند و از این راه کارآمدی مجموعه دولت را نتیجه خواهد داد.

نکته نهایی در این باره آنکه، چنانکه هر یک از صورت‌های پیش‌گفته به درستی در جامعه نهادینه نشود، نباید انتظار کارکرد دقیق نهاد امر به معروف و نهی از منکر در جامعه را داشت. به عبارت دیگر، حالت‌های پیش‌گفته مکمل یکدیگر هستند و هیچ‌یک به تنهایی نتیجه مطلوب را به همراه نخواهد داشت بلکه در مواردی می‌تواند بر ناکارآمدی حکومت بیفزاید؛ به‌طور مثال، چنانکه نهاد امر به معروف و نهی از منکر در شکل دولت به مردم وجود داشته باشد، اما نقطه مقابل آن (مردم به دولت) نباشد، می‌تواند نوعی از فساد حکومتی که ناشی از احساس اقتدار در مجموعه دولت است به همراه داشته باشد.

مشارکت اجتماعی و کارآمدی بازار

اطلاعات نامتقارن (Asymmetric Information) از آنجا که مشکل‌هایی مانند انتخاب بد (Adverse Selection) را به دنبال خواهد داشت، باعث شکست بازار (Market Failure) خواهد شد. اطلاعات نامتقارن در بسیاری از بازارها وجود دارد. به‌طور معمول فروشنده نسبت به خریدار اطلاعات بیش‌تری دارد که این امر می‌تواند انحراف قیمت در بازار را به دنبال داشته باشد. از سویی دیگر، از آنجا که در اقتصاد مبتنی بر بازار، قیمت به‌عنوان مهم‌ترین عامل نقش‌آفرینی می‌کند، انحراف قیمت‌ها تخصیص ناکارآمد منابع را به دنبال دارد و شرایط شکست بازار مهیا می‌کند.

این در صورتی است که انتظار می‌رود در صورت احیای کارکردهای ویژه مسجد و تقویت نهادهای مشارکتی در آن، چرخش اطلاعات با سهولت بیشتری صورت گرفته، ناهمگونی آن از بین رود که این امر خود می‌تواند توسعه در قراردادهای مالی را نیز به همراه داشته باشد. چرا که از بین رفتن ناهمگونی جریان اطلاعات در قرارداد مالی، افزون بر اینکه افزایش اعتماد را به دنبال دارد، به‌طور مستقیم تقاضا و فایده قراردادهای مالی را افزایش می‌دهد. مطالعه کولیر در این باره نشان می‌دهد که تعامل‌ها و مشارکت اجتماعی فرایند انتقال اطلاعات را تسهیل کرده، امکان سوءاستفاده افراد از فرصت‌ها را کاهش

می دهد (Collier, 1998: 22). کالویس و انگرون باور دارند که مشارکت و تعامل های اجتماعی، اطلاعات ترجیحات افراد و ویژگی های بازار تقاضا را در دسترس قرار می دهد و می تواند از این راه جریان اطلاعات در بازار را تسهیل کرده، بر کارایی سازوکار قیمتی بیافزاید (Callois & Angeron, 2004: 241).

نظارت اجتماعی برآمده از نهاد امر به معروف و نهی از منکر می تواند زمینه های بروز پدیده «سواری مجانی» (Free Riding) را کاهش دهد. نهادینه شدن این نهاد در تمام صورت های آن، نوید آن را می دهد که افراد درباره قبول تعهد و التزام عملی دیگران به هنجارهای جمعی اطمینان کنند و خود نیز به تعهدهای اجتماعی عمل کنند. گیلرز و همکارانش با استناد به مطالعه گریف می نویسند:

«اقتصاددانان دریافته اند که تعامل های اجتماعی در صورت تکرار، نقش حیاتی در حل مسئله سواری مجانی و کاهش فرصت طلبی (Opportunism) دارند» (Glaeser & Others, 2001: 2).

آنها تأکید می کنند:

«ادبیات موضوع نشان می دهد که به چه علت، هنگامی که افراد انتظار دارند در آینده بیشتر با یکدیگر روبه رو شوند، همکاری آسان تر می شود» (همان).

بنابراین روشن می شود که نماگر مشارکت اجتماعی از دید اسلام، از دو راه بر کارآمدی

نهاد بازار و در نتیجه توسعه اقتصادی اثرگذار است:

۱. جریان انتقال و دریافت اطلاعات را تسهیل می کند؛

۲. با جلوگیری از شکل گیری پدیده سواری مجانی، مانع شکست بازار می شود.

مشارکت اجتماعی و کاهش فقر

مشارکت اجتماعی برآمده از حس نوع دوستی و تعاون اجتماعی که تبلور آن در مساجد است، می تواند کاهش فقر را به ارمغان بیاورد. عنایت به کارکردهای مساجد و نهادهای آن می تواند در این باره راه گشا باشد. انجام آموزش های فرهنگی برای تهیدستان و تقویت روحیه فعالیت و کار در آنها، آموزش های تخصصی و حرفه ای، پدید ساختن مراکز اشتغال در مساجد مانند: تأسیس کارگاه ها و مراکز تجاری، تقویت بنیه مالی فقیران به وسیله صندوق های قرض الحسنه مساجد و ...، تشویق عموم مردم به احیای سنت های اسلامی مانند: صدقات، موقوفات، نذورات، هدایا و ... (فراهانی فرد، ۱۳۷۸: ۷۴)، در صورت

نهادینه‌شدن و فراگیری آن در مساجد جوامع اسلامی، می‌تواند نقش به‌سزایی در کاهش فقر و رسیدن به توسعه اقتصادی ایفا کند.

مشارکت اجتماعی و اشتغال

چنانکه کارکردهای مساجد به‌درستی تبیین شوند، انتظار بر آن است که امکان دسترسی به مشاغل با سهولت و هزینه کمتری صورت گیرد. افراد با عضویت در کانون‌ها و نهادهای وابسته به مساجد در صورتی که به بازار کار رسمی دسترسی ندارند، می‌توانند از عضویت در گروه‌های پیش‌گفته برای یافتن شغل مناسب سود برند (Sabatini, 2006: 20).

بنابراین نهادینه‌شدن مؤلفه «مشارکت اجتماعی از دید اسلام» می‌تواند بستری مناسب برای رسیدن به توسعه اقتصادی فراهم آورد. روشن است که در بسیاری از موارد، این رابطه، دوسویه است. به این معنا که تحقق فرایند توسعه‌یافتگی، در کیفیت و کمیت نمازگرمی مشارکت اجتماعی اثرگذار است. انتظار می‌رود لوازم مشارکت اجتماعی در جوامع توسعه‌یافته با سهولت بیشتری رخ دهد، با این همه عنایت به مقوله مشارکت اجتماعی در جوامع اسلامی، گامی در جهت رفع موانع توسعه در این کشورها شمرده می‌شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱. عمده نظریه‌های توسعه تا پیش از دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی، ویژگی‌های مشخصی را برای روابط اجتماعی قائل نبوده، آن را بی‌فایده و نامربوط در تعامل‌های اقتصادی تأویل می‌کردند. این در حالی است که رویدادهای بعد از جنگ سرد، ارزیابی پیچیده‌تری از رذیلت‌ها، فضیلت‌ها و فرازونشیب‌های بُعدهای اجتماعی را به علت آنکه با ثروت و فقر ملل مربوط می‌شود، طلب می‌کرد. ادبیات سرمایه اجتماعی، معرف نخستین کوشش برای نزدیک‌شدن به پاسخ چالش پیش‌گفته است. به عبارت دیگر، ورود نظریه سرمایه اجتماعی به بحث‌های توسعه اقتصادی، باعث غنی‌تر شدن تحلیل‌های عملکرد اقتصادی شده است؛

۲. سرمایه اجتماعی در برگزیده نهادها، ارزش‌ها، قاعده‌ها و تعهدهایی است که در جامعه استقرار یافته، باعث تسهیل و کارآمدی مناسبت‌ها میان اعضای آن جامعه شده و ظرفیت‌هایی را برای دستیابی به توسعه فراهم می‌آورد؛

۳. از آنجا که کاربرد هر نظریه بدون در نظر گرفتن محیط، بُعدها و شرایط اجرای آن،

نواقصی دارد. بازنگری در مفهوم سرمایه اجتماعی و شناخت دقیق آن با توجه به فرهنگ دینی و ملی جهت تبیین نقش آن در فرایند توسعه اقتصادی ضرور است. در این جهت به نظر می‌رسد شناسایی و کشف نماگرهای سرمایه اجتماعی از دید اسلام به‌عنوان نقطه عزیمت چنین کوششی مطرح باشد؛

۴. از آنجا که مشارکت اجتماعی یکی از شاخص‌های کلیدی نظریه سرمایه اجتماعی است، مناسب است تا با مراجعه به متون و منابع دینی، مورد بازخوانی قرار گیرد؛

۵. گذشته از حساسیت نظریه متعارف سرمایه اجتماعی درباره مشارکت اجتماعی، نقش ویژه نهاد مسجد در حیات اجتماعی جوامع اسلامی، کارکرد منحصر به فرد نهاد امر به معروف و نهی از منکر در نهادینه کردن نظام نظارت همگانی و نیز حضور آگاهانه مردم جوامع اسلامی در جهاد در راه خدا، جایگاه برجسته نماگر مشارکت اجتماعی از دید اسلام را ترسیم کرده، مرز معینی را میان نظریه متعارف و نظریه سرمایه اجتماعی از دیدگاه اسلام ترسیم می‌کند؛

۶. مشارکت اجتماعی برآمده از آموزه‌های دینی، از راه پدیدساختن امنیت، کارآمدی دولت و بازار، کاهش فقر و بیکاری در فرایند توسعه اقتصادی نقشی اساسی ایفا می‌کند و در صورت نهادینه شدن مشارکت اجتماعی از دیدگاه اسلام، بستر مناسبی برای توسعه اقتصادی از راه‌های پیش گفته فراهم خواهد شد؛

۷. احیای کارکردهای مساجد و نهادهای مرتبط با آن، به‌گونه‌ای که در خدمت رشد و تعالی جامعه قرار گیرد، تقویت و نهادینه کردن امر به معروف و نهی از منکر و فراهم آوردن بسترهای مناسب تحقق آن از جمله فعالیت آزادانه رسانه‌ها و مطبوعات، حضور احزاب قوی و قدرتمند مخالف جریان حاکم و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت از راه نهادهای آموزشی از ابتدایی‌ترین مراحل آن تا مراکز آموزش عالی و به‌کارگیری ابزارهای نوین و جذاب در معرفی آن، می‌تواند در خلق مشارکت اجتماعی از دیدگاه اسلام مؤثر باشد و از این راه گامی در جهت تثبیت و تقویت سرمایه اجتماعی در جوامع اسلامی برداشته شود که این بستر مناسبی را برای رسیدن به توسعه اقتصادی فراهم می‌آورد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. آیتی اسلامی، عباس علی، [بی تا]، دو از یاد رفته؛ امر به معروف و نهی از منکر، تهران: فدک.
۲. اشراق، محمدکریم، ۱۳۶۸ش، تاریخ و مقررات جنگ در اسلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳. الگار، حامد، ۱۳۶۵ش، دین و دولت در ایران، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: طوس.
۴. الوانی، سیدمهدی و میرعلی سیدنقوی، ۱۳۸۱ش، «سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه‌ها»، فصلنامه مطالعات مدیریت، ش ۳۳ و ۳۴.
۵. بازرگان، مهدی، [بی تا]، مسجد و اجتماع، [بی جا]: [بی نا].
۶. برهان یزدانی، سمیه، ۱۳۸۳ش، بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران طی دوران پس از انقلاب اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء ع.
۷. بردیو، پیر، ۱۳۸۴ش، شکل های سرمایه، به کوشش کیان تاج بخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.
۸. پاتنام، رابرت، ۱۳۷۷ش، دموکراسی و سنت های مدنی، ترجمه محمدتقی دل فروز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت کشور.
۹. ———، ۱۳۸۴ش، جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی، به کوشش کیان تاج بخش، تهران: نشر شیرازه.
۱۰. پورتس، آلهاندرو، سرمایه اجتماعی: خاستگاه ها و کاربردهایش در جامعه شناسی مدرن، به کوشش کیان تاج بخش، ترجمه حسن پویان و افشین خاکباز، تهران: نشر شیرازه.
۱۱. پیران، پرویز، میرطاهر موسوی و ملیحه شیانی، ۱۳۸۵ش، «کار پایه مفهومی و مفهوم سازی سرمایه اجتماعی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۶، ش ۲۳.
۱۲. پیرو، آلن، ۱۳۷۵ش، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان.

۱۳. توسلی، غلامعباس، ۱۳۸۲ش، مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۴. حکیمی، محمدرضا، ۱۳۸۴ش، الحیاه، ترجمه احمد آرام، قم: انتشارات دلیل ما، پنجم.
۱۵. خان‌دورزی، احسان، ۱۳۸۳ش، «استراتژی اقتصادی بر محور سرمایه‌های اجتماعی»، فصلنامه راهبرد، ش ۳۳.
۱۶. دادگر، یدالله و محمدباقر نجفی، ۱۳۸۵ش، «سرمایه اجتماعی و بازتولید آن در عصر پیامبر اسلام ﷺ»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ش ۲۴.
۱۷. دورکیم، امیل، ۱۳۸۱ش، درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام (ویرایش ۲)، تهران: نشر مرکز.
۱۸. رحمانی، تیمور، امیری، میثم، ۱۳۸۶ش، «بررسی تأثیر اعتماد بر رشد اقتصادی در استان‌های ایران با روش اقتصادسنجی فضایی»، مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۷۸.
۱۹. رسولی‌محلاتی، سیدهاشم، ۱۳۳۶ش، زندگانی حضرت محمد خاتم النبیین ﷺ، ۳، تهران: اسلامیه.
۲۰. سعادت، رحمان، ۱۳۸۵ش، «تخمین سطح و توزیع سرمایه اجتماعی استان‌ها»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۶، ش ۲۳.
۲۱. شریف‌پور، رضا، ۱۳۸۰ش، مسجد و انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۲. صدوق، علی‌بن بابویه، ۱۴۰۶ق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم: دارالرضی.
۲۳. حرّعاملی، محمدبن حسن بن علی، ۱۴۰۹ق، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشرعیة، قم: مؤسسه آل‌البیت علیه السلام لاحیاء التراث.
۲۴. غفاری، غلامرضا، ۱۳۷۹ش، تبیین عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر مشارکت اجتماعی به‌عنوان مکانیزمی در توسعه روستایی ایران، رساله دکتری جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه تهران.
۲۵. فتحی، حسن، ۱۳۷۹ش، اسلام و مکانیزم نظارت و اصلاح، لندن: مؤسسه مطالعات اسلامی.

۲۶. فخرایی، سیروس، ۱۳۸۳ش، «تحلیل جامعه‌شناختی مشارکت اجتماعی در ایران»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه‌شناسی در ایران، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
۲۷. فراهانی‌فرد، سعید، ۱۳۷۸ش، «نگاهی به فقر و فقرزدایی از دیدگاه اسلام، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۲۸. فیروزآبادی، سیداحمد و حسین ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۵ش، «سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی - اجتماعی در کلان شهر تهران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، ش ۲۳.
۲۹. فیلد، جان، ۱۳۸۶ش، سرمایه اجتماعی، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رمضانی، تهران: کویر.
۳۰. لکزایی، شریف، ۱۳۸۵ش، «مناسبات آزادی و امنیت از دیدگاه امام خمینی (ع)»، مجله علوم سیاسی، ش ۴۳.
۳۱. کورانی، علی، ۱۳۶۱ش، امر به معروف و نهی از منکر، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۲. مجلسی، محمدباقر، ۱۳۷۱ش، بحارالانوار، تهران: مکتبه الاسلامیه.
۳۳. محدث‌نوری، حسین، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع) لاحیاء التراث.
۳۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۰ش، بیست گفتار، تهران: انتشارات صدرا، هفتم.
۳۵. موسوی، میرطاهر، ۱۳۸۵ش، «مشارکت اجتماعی یکی از مولفه‌های سرمایه اجتماعی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، ش ۲۳.
۳۶. موسوی‌خامنه، مرضیه، ۱۳۸۳ش، سرمایه اجتماعی و سلوک اجتماعی (پیامدهای مدنی سرمایه اجتماعی در مدارس)، رساله دکترای دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۳۷. ناطق‌پور، محمدجواد و سیداحمد فیروزآبادی، «شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و فراتحلیل عوامل مؤثر بر آن»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۸.
۳۸. نظرپور، محمدنقی و مصطفی منتظری‌مقدم، ۱۳۸۷ (الف)، «فرهنگ اعتمادساز در اندیشه دینی و نقش آن در توسعه اقتصادی»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ش ۳۱.

۳۹. _____ ۱۳۸۷ (ب)، «سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی؛ مطالعه‌ای پیرامون فرهنگ ایثار و شهادت»، مجموعه مقالات همایش ملی ایثار و شهادت، [بی‌جا]: [بی‌نا].
۴۰. نوبهار، رحیم، ۱۳۷۲ش، سیمای مسجد، ۱، قم: [بی‌نا].
۴۱. نوری، حسین، ۱۳۷۵ش، امر به معروف و نهی از منکر، ترجمه محمدمحمدی اشتهاردی، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیّه قم، پنجم.
۴۲. نیکونستی، علی، ۱۳۸۶ش، ارتباط متقابل سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مفید.
۴۳. ولکاک، مایکل و دیپاناریان، ۱۳۸۴ش، سرمایه اجتماعی و تبعات آن برای نظریه توسعه، پژوهش و سیاست، ترجمه حسن پویان و افشین خاکباز، تهران: نشر شیرازه.
۴۴. یوسفی، محمدرضا، ۱۳۸۶ش، در جستجوی آرمان‌شهر نبوی ﷺ، قم: دانشگاه مفید.
45. Adler, P. S. & Kwon, S. 2002, "Social Capital: Prospects for a New Concept", **Academy of Management Review**, 27 (1).
46. Bullen, P. & Onyx, J. 1998, "Measuring Social Capital in Five Communities in NSW", **Journal of Applied Behavior**, vol. 36. No. 1. March 2000.
47. Callois, J.M. & Angeron, V. 2004, "On the Role of Social Capital on Local Economic Development", **AES Conference**.
48. Collier, P. 1998, "Social Capital and Poverty, Social Capital Initiative", **the World Bank**, Working Paper No.4.
49. Falk, L. & Kilpatrick, S, 1999, **what is Social Capital? A Study of Interaction in a Rural Community**, Faculty of Education, University of Tasmania, paper D5/1999, In the CRLRA Discussion Paper Series.
50. Feldman, T.R, & S Assaf, 1999, **Social capital: conceptual frameworks and empirical evidence**, The World Bank, social capital initiative, working paper, no.5.
51. Fukuyama, F. 2002, **Social Capital and Developments**, the Coming Agenda, SIAS Review.
52. Glaeser, E. L. & D. & Sacerdote Laibson, B. 2001 "The Economic Approach to Social Capital", **NBER Working Paper** 7728, Harvard Institute of Economic Research, Harvard University, Cambridge, Massachusetts, March, Review, Vol. 94, No. 3. Jun.

53. Hirschman, A. 1958, **the Strategy of Economic Development**, New Haven: Yale University Press.
54. Knack, S. & PH. Keefer, 1997, "Does Social Capital Have an Economic Pay off? A Cross_Country Investigation", **Quarterly Journal of Economics**.
55. Putnam, R. D. 1993 "The Prosperous Community: Social Capital and Public Life," **the American Prospect**, no 13.
56. _____. 1995a "Bowling Alone: America`s Declining Social Capital", **Journal of Democracy**, no.65 (6).
57. Sabatini, F. 2006, "Social Capital and Economic Development", University of Rome La Sapienza, **DISCUSSION PAPER** no.1.
58. Solow, R.M. 2000, "Notes on Social Capital", Washington D.C. **The World Bank**.
59. Woolcock, M. & D. Narayan, 2000, "Social Capital: Implications for Development Theory, Research and Policy", **World Bank Research Observes** 15(2).